

اعلامه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت چهل و چهارمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

چهل و چهار سال پیکار پیگیر علیه ارتجاع و امپریالیسم!

توده های زحمتکش، نشان داد،

حزب توده ایران با پایبندی وفادارانه به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انطباق خلاق آن با شرایط جامعه ما، زندگی پرفراز و نشیبی را از سرگذرانده است. بدون هیچ تردید کارنامه روشن و درخشان حزب ما جای برجسته ای را در تاریخ مبارزات سیاسی - اجتماعی معاصر ایران به خود اختصاص داده است.

پیکار پیگیر و آشتی ناپذیر علیه ارتجاع و امپریالیسم، افشاندن بذر اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم، ایفای نقش موثر در بیدار کردن زحمتکشان و آشنا ساختن آنها با حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود، تربیت و تشکل پیشاهنگ طبقه کارگر، تشکل و سازماندهی نیروهای مبارز در میدان های گوناگون نبرد،

دوم مهرماه امسال، ۴۴ سال از زادروز حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران می گذرد. حزب توده ایران، فرزند خلف مبارزات سترگ خلق های ایران و ثمره کار و پیکار ایثارگرتزین پیشتازان ورزمندگان انقلابی میهن ما است که در پی فروپاشی زنجیرهای استبداد رزواخانه در روزهای تاریخی مهر ۱۳۲۰ بنیان گذارده شد.

باتولد حزب توده ایران، باردیکر پرچم ادامه راه پر افتخار سوسیال - دمکراسی و حزب کمونیست ایران برافراشته گردید و دیری نپائید که حزب با شرکت فعال و موثر در مبارزات پر تلاطم اجتماعی، شایستگی و برازندگی و آبدیدگی انقلابی خود را به مثابه گردان پیشتاز طبقه کارگر و مدافع پرشور و خستگی ناپذیر همه



دوره هشتم سال دوم شماره ۶۹
پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۶۴
بهاء ۲۰ ریال

شادباش حزب دمکراتیک خلق افغانستان به حزب توده ایران بقیه در ص ۲

مردم ما در کنار خلق برادر و نیروهای انقلابی ایران قرار دارند

مداخلات امپریالیسم و در راس امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، هژمونیک چین، ارتجاع عرب و منطقه که با ادامه جنگ اعلام نشده از طریق خاک پاکستان و ایران علیه کشور انقلابی ما زندگی صلح آمیز مردم ما را برهم می زند، از دستاوردهای انقلاب ملی - دمکراتیک ثور شجاعانه دفاع نموده و مصمم راه ترقی اجتماعی و شکوفایی کشور را در پیش گرفته اند.

مردم ما با قاطعیت، صداقت و استواری در کنار خلق برادر و نیروهای انقلابی ایران قرار دارند.

مادر حالی که یکبار دیگر این روز فرخنده را به همه کمونیستهای ایران شادباش می گوئیم، همبستگی برادرانه تمام اعضای رژیم توده حزب دمکراتیک خلق افغانستان، مردم انقلابی و حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان را در امر تحقق آرمان های والای انسانی آنها ابراز می داریم.

زنده باد دوستی بزرگ برادرانه و ریشه دار تاریخی بین خلق های ایران و افغانستان!

فرخنده باد ۶۵ مین سالروز تاسیس حزب کمونیست ایران!
با درودهای پر شور انقلابی
کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان

رفقای ارجمند،
کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به نمایندگی از تمام اعضای رژیم توده حزب دمکراتیک خلق افغانستان و مردم جمهوری دمکراتیک افغانستان بهترین شادباش های رفیقانه و برادرانه را توأم با همبستگی پیکارجویانه انقلابی به مناسبت بزرگداشت از ۶۵ مین سالروز پر افتخار بنیانگذاری حزب کمونیست ایران به کمیته مرکزی حزب توده ایران این وارث برحق و ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران و تمام اعضای رژیم توده و دلیران و همه زحمتکشان ایران ابراز می دارد.

اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان با تاریخ مبارزات خونین و دلیرانه آکنده از قهرمانی ها و کارنامه های بزرگ سیاسی حزب کمونیست ایران و نقش عظیم آن در جنبش کمونیستی ایران و منطقه آشنایی کامل دارند. امسال در شرایطی ۶۵ مین سالروز بنیانگذاری حزب کمونیست ایران تجلیل می گردد که رژیم ارتجاعی ایران مانند ارتجاع سلطنتی و امپریالیسم با تمام قدرت و توان راه دشمنی حیوانی با تمام نیروهای انقلابی و میهن پرست واقعی را در پیش گرفته و سیاه ترین شیوه های ترور و اختناق را بکار بسته و سراسر ایران را به کشتارگاه و زندان شریف ترین فرزندان خلق ایران مبدل ساخته است.

مردم افغانستان انقلابی تحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان در برابر تجاوزات و

پنج سال پس از جنگ خانمانسوز ایران و عراق

پنج سال از جنگ خانمانسوز ایران و عراق می گذرد. جنگ شومی که ادامه آن از فرط بوجی و بیهودگی برای زحمتکشان و سودآوری و زراندوری برای امپریالیسم جهانی و ارتجاع ایران و منطقه نمونه وار شده است. همه شواهد حاکی از آن است که زمامداران چ.ا.ا. علیرغم آن که خود بهتر از هر کسی می دانند که راه حل نظامی برای این جنگ وجود ندارد، سران دارند که قمارها هستی زحمتکشان میهن ما را پازم ادامه دهند. قماری که نتیجه آن پاخت حتی

تلفات و ضایعات انسانی جنگ اینک به ۲۰۰ هزار کشته و صدها هزار تن زخمی، اسیر و معلول، و بیش از ۲ میلیون نفر بی خانمان و آواره پالغ شده است. هزینه و خسارات اقتصادی جنگ به رقم نجومی دو بیست و پنج میلیارد دلار رسیده است. برای تخمین ابعاد این ویرانی کافی است گفته شود که هزینه و خسارات جنگ از مجموع درآمد فروش نفت در تاریخ معاصر ایران نیز بیشتر شده است.

بی گمان ادامه جنگ بازمانده این ثروت ملی را نیز به باد خواهد داد. سال گذشته بنا بر آمار رسمی روزانه ۳۳۲۵ میلیون تومان از بودجه کشور به مصرف تامین هزینه های جنگ می رسید. با این همه نایدخاطر نشان ساخت که بزرگترین قربانی جنگ دستاوردهای انقلاب شکوهمند میهن ماست.

جنگ، اهرم سلطه کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ بر انقلاب ایران

مردم ما پیاد دارند که در تاپستان سال ۱۳۶۱، پس از آزادسازی خرمشهر، هنگامی که نیروهای ایران به مرزهای دو کشور رسیدند، حزب توده ایران و سازمان فدائیان بقیه در ص ۴

اعتراض خانواده های زندانیان سیاسی ایران

کارزار دفاع از زندانیان سیاسی و افشای جنایات حاکمیت چ.ا.ا. را پی گیری و تشدید کنند. اینک متن بیانیه:
"ما خانواده های زندانیان سیاسی اوین اعتراض خود را نسبت به ظلم و ستمی که در زندانها نسبت به فرزندان و خواهران و برادران بقیه در ص ۷

عده ای از خانواده های زندانیان سیاسی اوین بیانیه ای نوشته و درخواست کرده اند که صدای آنها را به گوش همه مردم آزاده و سازمانهای بین المللی رسانده شود. ما ضمن چاپ این بیانیه از همه اعضاء و هواداران حزب، همچنین دیگر نیروهای مترقی می خواهیم تا با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارند

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از ص ۱
راهنمایی عمومی خلق علیه نیروهای ضد خلقی در هرسه پهنه اصلی مبارزه یعنی مبارزات اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک، خطوط عمده فعالیت حزب توده ایران را تشکیل می‌دهند.

تاریخ چهل و چهار ساله حزب ما آئینه تمام نمای مبارزه پرشور و خونین انقلابی پویندگان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم است. اینک پس از ۴۴ سال رزم و رنج، توده‌ای‌ها می‌توانند به خود ببالند که بزرگترین جنبش‌های ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه تاریخ معاصر ایران با نام حزبشان پیوند دارد و به گونه‌ای چشمگیر ثمره افشاکری، روشنگری و سازماندهی و پیکار حزب توده ایران است. توده‌ای‌ها می‌توانند به خود ببالند که حزبشان در دوران موجودیت خود، هیچگاه پرچم مبارزه علیه فاشیسم هیتلری، علیه امپریالیسم انگلیس و آمریکا را بر زمین نگذارده و حتی در برهه‌ای از تاریخ میهن ما، یک تنه در سنگر پایداری برضد دشمنان خلق و زحمتکشان رزمیده است.

با وجود توطئه‌های شوم امپریالیسم و ارتجاع در دگرگون جلوه گر ساختن نقش حزب توده ایران در تاریخ مبارزات انقلابی مردم ایران، هیچ‌انسان صادقی نمی‌تواند نقش حزب توده ایران در راه و ازگونی نظام استبدادی شاه و تلاش‌های جانبازانه توده‌ای‌ها در راستای پیروزی و به ثمر رساندن آماج‌های ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ را انکار کند.

حزب ما، پس از پیروزی انقلاب و در دوران فعالیت چندساله علنی و نیمه علنی خود، صادقانه همه توان و تجربه انقلابی و استعداد سیاسی و سازمانی و تبلیغاتی خود را برای گسترش و ژرفش دستاوردهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب بکار گرفت. توده‌ای‌ها، علیرغم سیل اتهامات و افتراها، علیرغم شعله‌ور بودن آتش توده‌ای ستیزی و کمونیسم ستیزی و توطئه پردازی‌ها و کارشکنی‌های امپریالیسم و ارتجاع با ایثارگری و فداکاری در همه صحنه‌های مبارزات و درگیری‌های اجتماعی - اقتصادی، در راه دفاع و پاسداری پایمردانه از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران حضور مشخص و موثر داشتند.

یکی از بهترین شاخص‌های بیانگر ماهیت طبقاتی، اصول عقیدتی و خصلت انقلابی حزب ما در درازای ۴۴ سال زندگی پربارش، همانا پیوند هر طرح و پیشنهاد و برنامه مترقی، بنیادی و انقلابی در جامعه، خواه در زمینه دگرگونی‌های اجتماعی یا اقتصادی با نام حزب توده ایران است.

گیرایی و جدابیت ایدئولوژیک، کارایی سیاسی و سازمانی، روی آوری زحمتکشان و بهترین فرزندان میهن پرست این آب و خاک به حزب توده ایران، سبب برانگیختن هراس حیوانی ارتجاع و امپریالیسم و تشدید هدفمند حلات آنها علیه حزب ما گردید. ارتجاع و امپریالیسم با بکارگیری همه اشکال، شیوه‌ها و جنگ افزارهای دوزخی خود به حزب توده ایران یورش آوردند تا به خیال خام خود حزب طبقه

کارگر ایران را از پای درآورند، بانگ رسا و حقگویی مدافع حقوق و آزادی‌های زحمتکشان را خاموش سازند، بزرگترین مانع در راه یورش به مواضع انقلاب و احیاء پایگاه نظام سرمایه‌داری و ایسته و کشودن دروازه‌های کشور به روی بازاریهای امپریالیستی را از سر راه بردارند، جنبش انقلابی را در میهن ما سرکوب کنند.

ولی امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از یورش به حزب ما، واقعیات سرسخت گواه بر آن است که نه "منحله" اعلام کردن حزب توده ایران و به غل و زنجیر کشیدن هزاران توده‌ای در سیاهچال‌های قرون وسطایی و به زیر داغ و درفش افکندن آنها، نه اعدام پاکترین، آگاه‌ترین و میهن پرست‌ترین فرزندان خلق، نه حاکم ساختن حکومت ترور و خفقان پلیسی و ندادن وعده‌های خوش آب و رنگ و آوازه‌گری‌های گوشخراش رسانه‌های گروهی پیرامون "رسیدگی به حال مستضعفان"، هیچ‌یک نتوانسته‌اند، مانع تشدید نفرت توده‌های زحمتکش از رژیم ج.ا. گردد.

رفقای عزیز! هم میهنان گرامی!

در شرایطی حزب ما برای برگزاری جشن ۴۴- امین سالروز بنیانگذاری خود آماده می‌شود که بحران ژرفی سراپای جامعه را فرا گرفته است. رژیم جنایت پیشه "ولایت فقیه" در پاسداری از منافع غارتگرانه کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و پایه‌های بهره‌کشی و چپاولگری نظام سرمایه‌داری وابسته در کشور هر روز بیشتر تحکیم و گسترش می‌یابد. آتش جنگ خانمانسوز ایران و عراق همچنان شعله‌ور است. آزادی‌ها و حقوق و دمکراتیک مردم به خشن‌ترین شکلی سرکوب می‌شوند. بیکاری و بیماری، گرانی و تورم، فساد و محرومیت، حق‌کشی و استثمار در جامعه بیداد می‌کند.

رژیم جمهوری اسلامی، از یکسویا گردن نهادن به عادی سیطره جویانه کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران راه قدرت گیری آنها را هموارتر می‌سازد، و از سوی دیگر هر بانگ اعتراض و هر ندای حق طلبانه و صلح جویانه توده‌های مردم را با مشت و گلوله و سرنیزه پاسخ می‌دهد. باید توجه داشت که تشدید درنده‌خویی و سیاست سرکوب و ترور پلیسی رژیم به هیچ رو نشان استواری و نیرومندی آن نیست، بلکه اینها واکنش کوری در برابر آتش خشم و ناخشنودی خلق است که هر روز اوج بیشتری می‌گیرد، طبیعی است که در چنین شرایطی قشرهای تازه‌ای از مردم برای رویارویی با سیاست ضدملی و ضد دمکراتیک رژیم با عزمی استوارتر گام به میدان پیکار برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی بگذارند.

در حال حاضر، در کارزار طبقاتی درون جامعه، تناسب نیروها به سود ارتجاع نیست و عوامل عینی برای سرنگونی رژیم و ایجاد یک دگرگونی ملی - دمکراتیک به سود خلق هرچه بیشتر فراهم می‌گردد. در این میان، ناتوانی اصلی جنبش انقلابی در میهن ما، در تفرقه و چند پارچگی نیروهای نیروهای انقلابی و مترقی

است. ما اعتقاد راسخ داریم که اتحاد نیروهای مترقی یگانه ضامن مطمئن سازماندهی، جهت بخشیدن و رهبری جنبش و اشکال گوناگون مبارزات خلق برای پایان دادن به زندگی ننگبار رژیم جمهوری اسلامی و سیاست ضدملی و ضد دمکراتیک آن است.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب! امروز که حزب توده ایران برقله ۴۴ سال کار دشوار و پیکار خونین ایستاده است، همچنان آماج شدیدترین حلات چپه مشترک دشمنان قرارداد و ارتجاع و امپریالیسم از هر سو تیرهای زهرآگین توطئه نوینی را به سوی حزب ما نشانه می‌روند. علت یابی تشدید توطئه علیه حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران کار دشواری نیست. علت آن را باید در این حقیقت جستجو کرد که حزب توده ایران با غلبه بر پیامدهای یورش ارتجاع و امپریالیسم و التیام زخم‌های خود، دگربار با قامتی استوار در صحنه سیاسی - اجتماعی جامعه حضور فعال یافته است و خار چشم آنها شده و کینه حیوانی آنها را برانگیخته است. نباید از یاد برد که دشمنان سوگند خورده طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، بی‌درنگ پس از یورش، حزب ما را نابود شده و تا آخرین حلقه و سلول سازمانی در هم کوبیده اعلام داشتند. ولی دیری نپایید که حقیقت سترگ و سرکوب ناپذیر چهره خویش را نشان داد.

حقیقت آن است که حزب توده ایران را نمی‌توان نابود و از میدان مبارزه خارج ساخت. سرچشمه شکست ناپذیری حزب توده ایران در پیوند استوار و ریشه‌دارش با طبقه کارگر، جنبش کارگری ایران نهفته است. همچنین حقیقت آن است که با گذشت هر روز دامنه نفوذ و اعتبار حزب ما در بین توده‌های مردم گسترش می‌یابد و حقانیت اندیشه‌های ما بیش از پیش برای زحمتکشان به اثبات می‌رسد و پیوند ما با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران استوارتر می‌گردد.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب در چنین اوضاع و احوالی باید با روح والای رزمندگی و ایثار، جسارت و بصارت انقلابی و انضباط پذیری پولادین به زیر درفش کابینایی حزب توده ایران گردآمد. لحظه‌ای نباید فراموش کرد که ما باید پاکبازانه درفش را در اهتزاز نگهداریم که حیدر عمواغلی‌ها، ارانی‌ها، روزبه‌ها، سیامک‌ها، وارطان‌ها، تیزابی‌ها، حکمت‌چوها، افضلی‌ها و کبیری‌ها و عطاریان‌ها را به ما سپرده‌اند. بایسته است که با عزمی استوار و پیکارجویانه در راه خدمت به خلق و فرزند راستین آن، حزب توده ایران، زادروز حزبمان را جشن بگیریم.

اهدی باد خاطره شهدای توده‌ای!
درد بر توده‌ای‌های دریندا!
برقرار باد جبهه متحد خلق برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!
خجسته باد ۴۴ - امین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران!
کمیته مرکزی حزب توده ایران

رژیم خودکامه و روستازادگان

این پیش نویس جوابگوی

نیازهای کارگران نیست

ارجاع لایحه ارتجاعی قانون کار به مجلس، مخالفت زیادی را در میان توده کارگران و زحمتکشان برانگیخته است. ما در شماره های پیشین "نامه مردم" این لایحه ارتجاعی را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دادیم و کارگران و زحمتکشان را به هشجاری و مقاومت در مقابل این تعرض ارتجاعی رژیم فراخواندیم. اخبار رسیده از کارخانجات و واحدهای کار نشان دهنده این واقعیت است که کارگران به ماهیت ارتجاعی این توطئه رژیم پی برده اند و در صدد خنثی کردن آن هستند.

بحث پیرامون لایحه ارتجاعی قانون کار به یکی از مهمترین موضوعات بحث جلسات قانون های هماهنگی شوراهای مناطق مختلف تبدیل شده است. بطوری که برخی از مسئولین این قانون ها در اثر فشار کارگران مجبور شده اند اعتراضات کارگران را در حضور وزیر کار مطرح کنند.

موج وسیع مخالفت کارگران دیوار بلند سانسور مطبوعات دولتی را نیز شکسته است. روزنامه "اطلاعات" ۱۱ شهریور خبر ملاقات دو تن از مسئولین خانه کارگر شهر ری با وزیر کار را اینگونه منعکس کرده است: "کارگران در ملاقات با وزیر کار و امور اجتماعی ضمن بیان نقطه نظرهای خود در رابطه با پیش نویس قانون کار، اعلام و اظهار داشتند که در پیش نویس فوق، مواد مربوط به بازرسی کار ناقص است و بطور کلی این پیش نویس جوابگوی نیازهای کارگران در زمینه های اقتصادی، سیاسی و رفاهی نمی باشد". جالب اینجاست که در پاسخ های وزیر کار هیچ اشاره ای به قانون کار، این مسئله مهم و حیاتی برای کارگران نمی شود. زیرا وزیر کار با علم به این واقعیت که این لایحه جوابگوی نیازهای کارگران نیست، دست به تدوین و تصویب آن زده است.

از سوی دیگر در حالی که برخی مسئولین خانه کارگر شهر ری خود را مقید به اعلام و اظهار نظر کارگران در این مورد می دانند ولی بیانیته شورای مرکزی خانه کارگر بیانگر نظر دیگری است. در بیانیته خانه کارگر به مناسبت هفته دولت چنین می خوانیم: "تدوین بسیاری از لوایح اساسی و اصولی در زمینه های مختلف منجمله قانون کار از سوی دولت خدمتگزار که به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب ارسال شده است، این نهایت دلسوزی و فعالیت دولت می باشد". این اظهار نظر به روشنی نشان می دهد که شورای مرکزی خانه کارگر نه نظر کارگران و زحمتکشان کشور، بلکه نظر دولت مدافع کلان سرمایه داران و کارفرمایان را اعلام و اظهار می کند. نظر کارگران و زحمتکشان در مورد لایحه ارتجاعی قانون کار روشن است: این لایحه جوابگوی نیازهای کارگران نیست. تنها کسانی می توانند نماینده واقعی کارگران شناخته شوند که با این لایحه مخالفت کرده و از منافع زحمتکشان ایران پشتیبانی کنند.

تسهیلات ضرور آموزشی برای اکثریت روستانشینان سرپا می زند. عدم امکانات لازم برای تحصیل، پیویژه دوره های راهنمایی و متوسطه در روستاها، سهپ گردیده که ۷۸ درصد دانش آموزان راهنمایی و ۷۵ درصد دانش آموزان دبیرستانی کشور از شهرنشینان باشند و تنها درصد ناچیزی از دانش آموزان روستایی از این امکانات بهره بگیرند. طبق گفته معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش، حدود ۲۰ هزار روستا در کشور ما هنوز فاقد مدرسه هستند. ("اطلاعات" ۶۳/۴۶). در میان روستازادگان اکثریت دختران از آموزش محروم هستند. نماینده اردبیل در بهمن ماه سال گذشته گفت: "در اکثر روستاها دختران از رفتن به مدرسه محروم اند" ("کیهان"، ۱۰/۱۱/۶۳). صدای چ.ا. در تاریخ ۲۲/۸/۶۳ اعلام کرد: "آموزش و پرورش ناحیه په دختران قالیباف روستای بزرگ محله پافستان کاشان که درخواست معلم کرده بودند گفت حقوق معلم را خودتان باید تامین کنید".

مسلم است که وقتی روستازادگان از آموزش های عمومی بی بهره اند، رنگ کمترین آموزش حرفه ای را نیز نمی بینند. در حالی که این نوع آموزش پیویژه در رشته های کشاورزی، دامداری و خدمات روستایی، صنایع دستی، بهداشت و مامایی (پیویژه برای دختران) از حقوق مسلم آنان است. در سال های گذشته، تنها نیم درصد از روستازادگان امکان استفاده از آموزش های فنی و حرفه ای را داشتند و در شرایط کنونی اگر وضع بدتر نشده بهتر هم نیست. علاوه بر این ها، نبود آب آشامیدنی سالم، سوء تغذیه، غیربهداشتی بودن محیط های زندگی، فقدان امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی در روستاها، فقدان حمام و عدم واکسیناسیون بموقع کودکان روستایی، سهپ شیوع انواع بیماری ها در بین روستائیان و پیویژه روستازادگان می گردد. بیماری هایی نظیر سالتک، بیماری های روده ای و اسهال، تب مالت، سل، کچلی، دیفتری، سیه سرفه، فلج، کزاز و غیره در اکثر روستاهای کشور هر ساله تلفات سنگینی بهای می گذارد.

معاون بهداشتی وزارت بهداشتی در خردادماه سال پیش گفت: "کمتر از ۲ درصد پزشکان در مناطق روستایی و محروم کشور اشتغال دارند" ("کیهان"، ۲۶/۳/۶۳). وزیر بهداشتی نیز در آبان ماه سال گذشته گفت: "فقط ۲۰ درصد روستائیان کشور از آب آشامیدنی سالم استفاده می کنند" ("اطلاعات"، ۲۳/۸/۶۳). همچنین بهره مندی از امکانات تفریحی و ورزشی، کتابخانه، کلاس های هنری و غیره سالیان درازی است که برای روستازادگان میهن ما در حد آرزویی دست نیافتنی باقی مانده است. رژیم نه

می خواهد و نه می تواند پاسخگوی نیازهای روستازادگان کشور باشد. تنها کار "مهپی" که از حکام چ.ا. برمی آید فریب بخشی از روستازادگان و گسیل آنها به چپه های بی بازگشت چنگ است.

درصد بالایی از جمعیت روستایی میهن ما را، جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند. طبق سرشماری قهل از انقلاب در روستاهای کشور، ۶۲ میلیون کودک کمتر از ۱۰ سال، ۲۲ میلیون نوجوان بین ۱۰ تا ۱۴ سال و ۲۹ میلیون جوان بین ۱۵ تا ۲۴ سال وجود دارد.

زندگی محنت بار این گروه عظیم را باید در چارچوب عقب ماندگی های زیستی، فرهنگی، بهداشتی، درمانی، رفاهی و... حاکم بر جامعه روستایی بررسی کرد. رشد سرمایه داری در روستاها که در دوران سلطه رژیم ستمشاهی شکل گرفت، در کنار حاکمیت نکبت بار فئودالی باقی مانده (که همچنان نیز باقی است) سهپ گردید که شیوه استثمار سرمایه داری و راهب و رعیتی در کنار هم، شیوه چنان روستائیان و از جمله کودکان و نوجوانان را بکند. امروز نیز رژیم خودکامه چ.ا. همان مناسبات استثمارگرانه گذشته را با پوششی شرعی در روستاها حفظ کرده و در مواردی تشدید هم کرده است.

شرایط زندگی و کار روستازادگان کشور، از فقر و فلاکت دامنگیر در میان خیل عظیم روستائیان زحمتکش جدا نیست. فقر خانواده های روستایی و عشایری از یکسو و عدم اجرای قانون ممنوعیت کار اطفال کمتر از ۱۵ سال سهپ گردیده است که بخش قابل توجهی از ۵ میلیون نوجوان و جوان روستایی راه مهاجرت را در پیش گیرند. از این تعداد بیشترین میزان را جوانان ۱۰ تا ۲۰ ساله شامل می شوند.

کار مزدوری در کارگاه های قالی بافی و دیگر صنایع دستی و کارگاه های صنعتی، پیشه وری و خدماتی شهرها و اطراف شهرها، پیش از ۴۵ درصد روستازادگان را په خود جذب می کند. این بخش از نوجوانان و جوانان روستایی په شدت مورد استثمار قرار می گیرند. ساعات کار آنان په جای ۸ ساعت در روز، گاه په ۱۰ تا ۱۲ ساعت می رسد، اکثرا از حق بیمه برخوردار نیستند، از آموزش های فنی بی بهره اند و در مقابل فشار کار و سوانح و حوادث گوناگون تامین جانی ندارند. بالغ بر ۴۱ درصد روستازادگان در سطح روستاها په نگهداری دام، کمک په کاشت و برداشت محصول در مقابل دستمزد ناچیزی و دیگر فعالیت های زیستی و تولیدی می پردازند. طبیعی است که وقتی تهیدستی اکثریت قریب په اتفاق دهقانان زحمتکش میهنمان، کار مزدوری فرزندان آنان را طلب می کند، شمار عظیمی از این نوجوانان و جوانان روستایی امکان و فرصت دستیابی په آموزش عمومی و حرفه ای را نیز نمی یابند.

امروزه پیش از ۴۲ درصد روستازادگان ۱۰ تا ۲۴ سال پکلی پیسوانند، آن عده هم که با سواد هستند په دلیل فشار فقر و از روی ناچاری همچنین کمبود پا نبود امکانات آموزشی در روستاها تحصیل را در نیمه های آن رها می کنند. این امر سهپ گردیده که سطح فرهنگ و رشد اجتماعی در روستاها و در بین عشایر، پایین بماند. رژیم ارتجاعی چ.ا. از فراهم آوردن

پنج سال پس از جنگ خانمانسوز

بقیه از ص ۱

خلق ایران (اکثریت)، بنا به مسئولیت تاریخی خویش خواستار پایان جنگ شدند. در واقع نیز مناسب ترین شرایط برای پایان دادن به خونریزی فراهم آمده بود.

اما سران ج.ا. جنگ را با هدف های آشکارا توسعه طلبانه، از جمله تشکیل "حکومت اسلامی" در عراق و در نهایت تشکیل "واحد سیاسی بزرگ جهانی تحت لوای اسلام" و "ارتش بزرگ جهانی اسلام" ادامه دادند. این سیاست چون آمیز توسعه طلبانه، بطور قاطع با اهداف جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا همسو بود، و در عین حال نشان دهنده سیاست های مشخص طبقاتی ارتجاع حاکم بر ایران، علیه زحمتکشان کشور و به نفع فارتکران داخلی و خارجی بود.

حاکمیت ج.ا. در هراس از اوچگیری مبارزه طبقاتی، در جستجوی راه مناسبی برای مهار کردن جنبش توده ای در جهت استقرار عدالت اجتماعی، و سرکوب پیشاهنگ انقلابی این جنبش بود. آنان که تجربه موفق توقف اصلاحات ارضی، به بهانه شرایط ناشی از جنگ را پشت سر گذاشته بودند، انتظار داشتند که با ادامه توسعه طلبانه جنگ، روند خیانت به آرمان های انقلاب را، در جهت تامین و تثبیت منافع کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ ادامه دهند.

نگرش عظمت طلبانه "اسلامی" حکام ج.ا. مناسب ترین پایه سیاسی - ایدئولوژیک را برای تدارک زمینه مادی تحقق این مقاصد معین طبقاتی فراهم می کرد. طرفداران احیای "عظمت اسلام" اندیشه "وحدت امت اسلامی"، و مخالفت با هر نوع مبارزه طلبی با مضمون طبقاتی، بویژه به بهانه ضرورت های ناشی از جنگ را محور تبلیغات و خط مشی سیاسی خویش قرار دادند. آنان به این بهانه تلاش می کردند تا افکار عمومی و انرژی انقلابی توده ها را که پیش از پیش متوجه مبارزه در راه تامین عدالت اجتماعی می شد، به سوی دشمن سوهم در آن سوی مرزها منحرف کنند. عسکر اولادی سخنگوی سرشناس ارتجاع بازاری این واقعیت را آشکارا بر زبان آورد: "تنها اشکال ما اینست که مبادا به محض آن که جنگ تمام شد، عده ای به فکر رفاه باشند. نکند فکر کنید که جنگ ما به پایان رسیده. خیر چونکه... ما برای استقرار نظام اسلامی در جهان تلاش می کنیم" (صبح آزادگان - ۱۹ خرداد ۶۲).

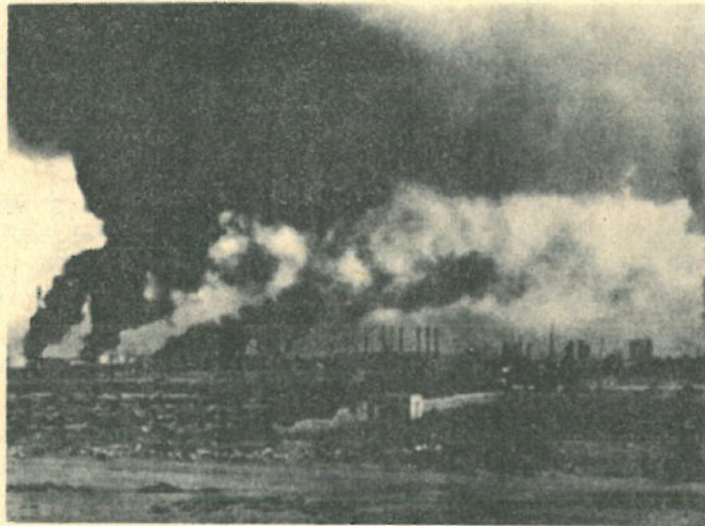
سردمداران ج.ا.

تلاش سیاسی و تبلیغاتی همه جانبه ای را آغاز کردند تا پیروزی در تهاجم به خاک عراق - و نه مبارزه در راه تعمیق انقلاب و تامین عدالت اجتماعی - را مساله اصلی مردم ایران جلوه دهند. در طول این سالها وعده های آنان درباره اصلاحات بنیادی و ریشه کن کردن فقر و "استشفاع" و پی خانمانی و تامین بهداشت و سوادآموزی... با شتاب تمام رنگ باخت و جای خود را به دفاع آشکار از منافع فارتکران تجار و زمینداران بزرگ داد. شعار "جنگ، جنگ تا

پیروزی" و "ضرورت ایثار همگانی" در راه جنگ، در واقع زمینه چینی سیاسی - تبلیغاتی برای این چرخش تمام عیار بود. خامنه ای، رئیس جمهور، بی پروا و بی پرده می گفت: "تا مساله جنگ که فوری ترین و جدی ترین مساله روز ما محسوب می شود به حل قانع کننده و منطقی نرسد، رسیدن به سایر مقاصد - حمایت از محرومین و عقب ماندگان و قشرهای ضعیف که شعار میشکلی ج.ا. بوده است - تا حدودی دشوار بنظر می رسد" (اطلاعات، ۲۹ دی ۶۲).

سرمایه داری تجاری سنتی ایران، که از دیرباز پیوندهای تنگاتنگی با محافظی از روحانیت حاکم داشت، طی سالهای جنگ به معنای واقعی کلمه دست به تاراج هستی زحمتکشان ایران زد. تودیع بخش مهمی از واردات کالاهای مصرفی بازار دولتی به

انحصار سران بازار درآمد. تفاوت بهای ارز دولتی حاصل از فروش نفت، و احتکار و گرانفروشی کالا، منابع اصلی سودهای هنگفتی بود که طی این سالها به جیب کلان تاجران نوکیسه سرازیر شد. آمارها بیانگر آنند که سهم ارزش



اطلاعات، ۲ آبان ۶۲.

ارتجاع ایران از شرایط ناشی از جنگ برای یورش به نیروهای خواستار تحقق عدالت اجتماعی از جمله حزب توده ایران حداکثر استفاده را بعمل آورد. یورش به حزب ما از جمله به این دلیل صورت گرفت که:

"پرنامه های حزب توده (ایران) برای جنگ خطراتی دربر داشته است" (هاشمی رفسنجانی، نامه جمعه اردیبهشت ۶۲).

یکی از اهداف اعدام افسران توده ای که بسیاری از آنان فرماندهان و قهرمانان جنگ مقاومت و آزادسازی میهن انقلابی پشمار می روند، درهم شکستن روحیه مقاومت علیه ادامه توسعه طلبانه جنگ در میان نظامیان میهن دوست بود (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۷ اسفند ۶۲).

رویکردانی از تحقق آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب و گشودن میدان برای فارتگری تمام عیار کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان،

افزوده بخش خدمات - بطور عمده شامل بازرگانی و انبساطی و مستغلات - در اقتصاد کشور، از ۴۰ درصد در سال ۵۶ به ۵۸ درصد در سال ۶۲ افزایش یافته است. وزارت دارایی اعلام کرد که سودی که از احتکار و گرانفروشی و دست بردن کردن کالاهای دست آمده است، هر آبرابر ارزش افزوده هریک از بخش های نفت و صنعت، و ۷ برابر ارزش افزوده بخش کشاورزی بوده است (سخنگوی وزارت دارایی، اطلاعات ۲۹ آبان ۶۲).

در نتیجه این غارت بی بندوبار، طی سالهای اخیر ده هامیلیارد و میلیون نوکیسه در بازار ایران پدید آمده اند که یکی از پایه های سرمایه داری وابسته ایران را تشکیل می دهند. شرایط کار و معیشت پنج میلیون کارگر و نزدیک به یک میلیون کارمند در طول سالهای پس از انقلاب - بدتر شده است. بیش از ۲ میلیون نفر از نیروی کار کشور ما بیکار هستند. روند بازگرداندن زمین های زیر کشت دهقانان به زمینداران بزرگ، علیرغم مقاومت دهقانان، روبه گسترش است. در این شرایط فشار تورم تا ۴۰ درصد در سال بطور عمده بر دوش

است جنگ در سطح کنونی آن ادامه یابد" (اطلاعات، ۱۵ مرداد ۶۴).

با همه اینها سران ج.ا. همچنان سیاست خائفانه و ویرانگر خویش را در ادامه جنگ فرسایشی ایران و عراق پی گیرانه دنبال می کنند. در این شرایط مسئولیت تاریخی همه نیروهای صلح دوست، میهن پرست و انقلابی ایران در مبارزه مشترک بنحوا پایان دادن به جنگ، وزن و اهمیت بیشتری می یابد. به این فاجعه تنها با تلاش همه جانبه و مشترک نیروهای انقلابی در راه اعتدالی چپ صلح طلبانه توده ای می توان خاتمه داد.

حزب توده ایران به نوبه خویش از هیچ تلاشی در این عرصه فروگذار نخواهد کرد.

به مامی نویسنده

نکاتی از یک نامه رسیده :

حاکمیت و "نامه مردم"

دولت انتظار نداشت که "نامه مردم" مجدداً منتشر بشود و با تمام تلاش به دنبال آن است که بتواند از چگونگی پخش آن در داخل کشور سردر بیاید. با این حال "نامه مردم" خوب پخش می شود. اعلامیه حزب و سازمان فدائیان اکثریت در رابطه با تحریم انتخابات چند روز قبل از انتخابات به مقیاس وسیع در تهران پخش شد.

مقاومت مردم در برابر سپاه

مسئله دیگر این که مردم به تازگی در برابر سپاهیان با جرأت می ایستند و حرفهای خودشان را می زنند. مثلاً در مورد فرستادن نوجوانان به جبهه ها که توسط سپاه انجام می شود، بخصوص مادران به سختی مقاومت می کنند. آنها در مقابل اعتراض سپاه می گویند: چرا پسران آخوندها به جبهه نمی روند؟ ما این همه جوان از دست دادیم کافی است. نتیجه این جنگ بالاخره چه خواهد شد؟ تاکنون چه ثمری داشته؟ برخورد دیگری که در این رابطه می توان مطرح کرد این است که قبلاً وقتی سپاه پاسداران در خیابانها به کشت مشغول بود، اگر به فردی مشکوک می شد اقدام به دستگیری او می کرد. حتی خود مردم برای دستگیری فرد مورد نظر اقدام می کردند. ولی در شرایط حاضر مسئله برعکس شده و مردم سعی در فراری دادن اشخاصی دارند که سپاه قصد دستگیری آنها را دارد. سپاه وقتی به کسی مظنون میشود مردم جمع می شوند و به حالت اعتراض می گویند: بابا چه کارش داری؟ برای چی او را می بری؟ ولش کن بره ... بیشتر اوقات سپاه مجبور به عقب نشینی می شود و در موارد بسیاری دیده می شود که کار به زدو خورد میان مردم و سپاه می کشد.

سوداگران زمامداران ج.ا. سیاست تهدید و تحسین، یا بهتر بگوییم سیاست "چماق و حلوا" را پیشه کرده اند. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با تقسیم کار میان کشورهای امپریالیستی بر اساس منافع ویژه هر یک از آنان، در چنگ خلیج فارس استراتژی واحدی را پیش می برد. امپریالیست ها مناسبات گوناگون سیاسی، نظامی تسلیحاتی و اقتصادی با هر یک از دو طرف درگیری را حفظ، و به تناسب شرایط با چرخش های ملایم به سود این یا آن طرف درگیر در جنگ عمل می کنند. آنان از این مناسبات دوگانه بمثابه تهدیدی برای باج گیری هرچه بیشتر از دو طرف استفاده و آتش جنگ فرسایشی را همچنان دامن زده و گسترش می دهند.

انحصارهای امپریالیستی

با استفاده از امکانات پرچود آمده، هم قیمت و جریان نفت صادراتی خلیج فارس را به دلخواه خویش تحت کنترل گرفته اند و هم بازارهای داخلی دو کشور ایران و عراق را تصرف کرده اند و هم هر دو کشور را به خریداران دراز مدت سلاح های علاوه بر آن خلیج فارس چولانگه رزمناوهای آمریکایی شده است و با تقویت همکاری و هم پیمانی میان ج.ا. و ترکیه و پاکستان از یک سو، و دولت های ارتجاعی عرب از سوی دیگر، صف آرای استراتژیک امپریالیسم و ارتجاع در منطقه قوی تر شده است.

تهدید و ادامه این روند، منافع امپریالیسم را بیش از پیش تضمین خواهد کرد. از این رو امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، همچنان خواستار ادامه جنگ فرسایشی است. این واقعیت که حزب توده ایران در تابستان سال ۱۳۶۱ برای نخستین بار و با صراحت آن را اعلام کرد، و از جمله به قصاص این وفاداری به منافع خلق آماج یورش سبانه حکومت ج.ا. قرار گرفت، امروز در محافل بین المللی نیز از پرده پرون افتاده است.

روزنامه انگلیسی گاردین در اوایل سال گذشته میلادی طی بررسی جامع نظریات سیاستمداران آمریکایی - از جمله رهبران حزب دمکرات - درباره جنگ ایران و عراق به این نتیجه رسید که: "ایالات متحده آمریکا مایل است پن پست نظامی ادامه پیدا کند" (گاردین، ۲۵ فوریه ۱۹۸۴).

مقامات ایالات متحده نیز اینک از اعتراف آشکار به این سیاست چنایتکارانه لهایی ندارند. ریچارد مورفی، مدیرکل وزارت خارجه آمریکا از جمله گفته است: "پیروزی هر یک از طرفین درگیر جنگ، به خاطر اثرات سیاسی که در منطقه ایجاد خواهد کرد، نامطلوب و غیرقابل قبول است" (اطلاعات، ۱۵ خرداد ۱۳۶۴). و رئیس کمیته خاورمیانه مجلس نمایندگان آمریکا اعتراف می کند: "دولت ریگان به راه های سیاسی در قبال جنگ متوسل شده است و امیدوار

چامعه ایران را به سرعت در پهران عمیق و گسترده اجتماعی - اقتصادی و سیاسی فرو برده است. خوشبختانه آگاهی مردم از شکست سیاست چنایتکارانه "جنگ، جنگ تا پیروزی"، زمینه ورشکستگی قطعی و همه جانبه مهلفان این سیاست را فراهم آورده است. بی دلیل نیست که در مجلس گفته می شود: "امروز وظیفه مجلس مردم و دولت است که جنگ را در راس همه امور قرار دهند... چراکه آبرو و حیثیت و شرف و عزت ما به این جنگ بستگی دارد" (نماینده بهبهان، کیهان، ۲۳ خرداد ۶۴). ویا این که: "الان انقلاب ما امرش دایر پین بود و نبود است، مگر اینکه در این جنگ ... انشاء الله پیروز باشیم" (عضو هیات رئیسه مجلس، اطلاعات، ۱۶ مرداد ۶۴).

لجاجت جنون آمیز سران ج.ا. در ادامه جنگ، جنگی که از نظر نظامی بطور قطع به پن پست رسیده است، صرف نظر از انگیزه های دیگر، از احساس این خطر نیز سرچشمه می گیرد.

امپریالیسم آمریکا همچنان خواستار

ادامه جنگ فرسایشی است

تاریخ نقش امپریالیسم آمریکا را بمثابه آتش افروز و برنده اصلی جنگ ایران و عراق ثبت کرده است. هدف امپریالیسم از این چنایت مدش علیه خلق های ما، احیاء نفوذ نظامی، اقتصادی و سیاسی خود در منطقه و سرکوب هر گونه نهضت رهایی بخش ملی است. طی سالهای

جنگ امپریالیسم به اتکای همسویی سیاست های حاکمیت ج.ا. پیشرفت های آشکاری در این راستا داشته است.

در نتیجه جنگ، تغییرات چشمگیری در گروه بندی های سیاسی - نظامی کشورهای خلیج فارس به سود امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه بوجود آمده است. تشکیل محور اردن - عراق - مصر - عربستان سعودی و تقویت همکاری های سیاسی "شورای همکاری خلیج فارس" و گسترش تدارکات نظامی برای تبدیل این گروه بندی به یک پیمان نظامی پنا به خواست ایالات متحده، از نتایج مستقیم جنگ ایران و عراق است. در نتیجه جنگ ایران و عراق، نفوذ عربستان سعودی به مقابله دژ ارتجاع در میان کشورهای عربی خلیج فارس و در سراسر منطقه افزایش یافته است. از سوی دیگر جنگ ایران و عراق پر شکاف موجود میان کشورهای عربی در مقاله با اسرائیل افزوده است.

سیاست سوداگران سران ج.ا. میدان وسیعی برای پیشروی امپریالیسم در ایران و در منطقه گشوده است. سیاستمداران آمریکایی که در مغازه و معامله سیاسی با حکومت های پزیده از خلق از مهارت و تجربه فراوانی برخوردارند از همان آغاز برای تقویت ستمگری های ارتجاعی حکومت ج.ا. و در عین حال تضمین ادامه جنگ فرسایشی، در برابر سیاست

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر، متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

در حاشیه رویدادها

بخش خصوصی و تعرضات جدید

در سالهای اخیر، بخش خصوصی بویژه در عرصه تجاری سودهای کلانی با ارقام نجومی به جیب زده که در کشور ما بی سابقه است. با اینحال این بخش در پناه خمینی و دیگر سردمداران رژیم هر روز گامهای بلندتری در راه به چنگ گرفتن همه اهرمهای اقتصادی بر می‌دارد. به اصطلاح عوام، تا دیر نشده و تنور داغ است می‌خواهد خمیر خود را بپسباند.

سرحدی زاده وزیر کار رژیم، نگرانی خود را چنین ابراز می‌کند که اگر توزیع و تجارت خارجی از چنگ دولت خارج گردد و به بخش خصوصی واگذار شود "حاکمیت سیاسی و قدرت سیاسی هم دنبالش خواهد رفت". وی می‌گوید: "ما نمی‌توانیم که اموال ثابت پاسبانها، ایقانیانها و صدها طاغوتی دیگر را که امروز دولت... موظف به اداره آنها شده به دست بخش خصوصی بدهیم" (کیهان ۲۰ مرداد).

نبوی وزیر صنایع سنگین نیز زنگ خطر را به صدا در می‌آورد: "عهده‌ای سرمایه‌دار سوچو به قصد به چنگ آوردن این کارخانجات (منظور کارخانجات ملی شده است) به تکاپو افتاده و حرکت جدیدی را شروع کرده‌اند. گروهی از مدیران سابق و گروهی دیگر به بهانه اصل ۴۴ قانون اساسی و فرمایشات امام که فرمودند کار مردم را به مردم واگذار کنید، حمله خود را شروع کرده‌اند... آنچه از صحبت آقایان برمی‌آید این است که در این مملکت پابره‌ها ۵۰ - ۶۰ نفر بیشتر نیستند. آنچه که از آن بیم داریم ایجاد یک قشر جدید سرمایه‌دار است" (اطلاعات ۴ شهریور).

در همین چارچوب روزنامه "کیهان" می‌نویسد: "اکنون پس از چندسال (۱) سرو صدای کسانی که به منافع سوداگران خود می‌اندیشند درآمده و به تکاپو افتاده‌اند و با این عنوان که کار مردم را باید به مردم واگذار کرد، دولت را تحت فشار قرار داده‌اند تا این واحدهای سودده را به آنها به ثمن بخش بفروشد. این قشر که پس از پیروزی انقلاب به سرمایه‌های کلان دست یافته‌اند، معتقدند که اعتماد و امنیت برای سرمایه‌گذاری نیست" (۷ شهریور ۶۴).

سرحدی زاده می‌گوید: "مدام این اعتراض از ناحیه بخش بازرگانی و بخش خدمات به دولت اسلامی می‌شود که شما ناتوانید، اقتصاد را چنین کردید، صادرات را چنین کردید".

در راستای این مسائل نخست وزیر نیز در سخنرانی خود در خطبه‌های پیش از نماز جمعه یکم شهریور کله‌گذاری را آغاز می‌کند:

"ما چگونه می‌توانیم مبادلات خارجی کارخانجاتی (که از مفسدين گرفته شده و در اختیار دولت قرار گرفته است) را که ۲۶ درصد مبادلات خارجی را تشکیل می‌دهد در اختیار آنان

قرار دهیم؟"

"دولت جمهوری اسلامی باخاطر ۲۴ میلیارد تومان مالیات که از مشاغل وصول می‌کند دایم مورد انتقاد و اتهام است. در کشوری که ۴۰۰ میلیارد تومان بودجه جاری دارد، آیا دریافت ۲۴ میلیارد تومان از مشاغل زیاد است؟ و آیا وصول این مالیات نشانه دولت ساری است؟"

"دولت اسلامی مجبور است که در شرایط جنگی توزیع را تحت کنترل بگیرد، چرا که در چنین شرایطی با آذوقه مردم نمی‌شود بازی کرد و به آن بی‌توجه بود" (کیهان ۲ شهریور).

لب کلام بخش خصوصی را بهتر است از قول نویسنده اطلاعات در ستون "یادداشت" هفتم شهریورماه نقل کنیم:

"در مجموع این نظریه خواهان تقلیل نقش دولت به حداقل ممکن و افزایش ارتقاء نقش بخش غیردولتی (یعنی بخش خصوصی) است. به عبارت دیگر، پیروان این نظریه، تنها در صورتی سیاستهای دولت را تشویق می‌کنند که این سیاستها در جهت ایجاد زمینه‌های سیاسی - فیزیکی و مالی - پولی بخش غیردولتی باشد".

جالب است که هنوز برخی از دولتمردان دست به دامان مجلس و شورای نگهبان می‌شوند و از آنها خواستار تدوین "قوانین انقلابی" می‌شوند. سخنان سرحدی زاده بیانگر این واقعیت است: "امروز ما برای غلبه بر مشکلات نیازمند یک سلسله قوانین انقلابی هستیم و این به عهده مجلس و شورای نگهبان است که به تدوین چنین قوانینی بپردازند".

باید به آقای سرحدی زاده و امثال او گفت که از این کنده‌های سوخته دیگر دودی برنخواهد خاست.

هنوز هم در شیپور جنگ می‌دمند

جنگ یکی از مهمترین عواملی است که جمهوری اسلامی را بویژه از نظر اقتصادی با بحران شدید مواجه کرده است.

رفسنجانی ضمن تاکید بر این که "در حال حاضر حدود یک سوم درآمد نفتی ما به جنگ اختصاص دارد" اعتراف می‌کند که "پنج استان کشور گرفتار جنگ هستند و کشاورزی و معادن و صنعت در آنها مختل شده است" ("کیهان"، ۲ شهریور).

سرحدی زاده وزیر کار می‌گوید: "ما نمی‌توانیم هم بار جنگ را بکشیم و هم بار مشکلات پیشمار اقتصادی را" ("کیهان"، ۲۰ مرداد).

نویسنده روزنامه "کیهان" در ستون "دیدگاه" این روزنامه در دوم شهریور می‌نویسد: "با کمی واقع بینی، اعتراف به این حقیقت که جنگ شرایطی فوق العاده در یک جامعه ایجاد می‌کند چندان دشوار نخواهد بود... به نقش جنگ با توجه به هزینه‌های مادی و انسانی که به خود تخصیص می‌دهد، در ابعاد اقتصادی، سیاسی و روانی جامعه باید دقت کرد".

همچنین در روزنامه "اطلاعات" می‌خوانیم: "چنانچه جنگ تحمیلی اتفاق نیفتاد

و این جنگ ناخواسته برملت ما تحمیل نمی‌شد، بسیاری از مشکلات و مسائل لاینحل تا کنون حل شده بود" (۲ شهریور ۶۴).

با تمام این احوال، هنوز هم نیروهای ارتجاعی حاکم بر کشور ما در شیپور جنگ خانمان سوز می‌دمند و تلاش می‌کنند تا تمایلات توسعه طلبانه خود را در پوششهای عوام فریبانه بر جامعه تحمیل کنند.

قطع وابستگی با شعار ممکن نیست

روزنامه کیهان می‌نویسد: "بدون توجه به مجموعه عواملی که توانمندی‌ها، سیاست‌ها، اقدامات و جهت گیریهای دولت و قوه مجریه را در این چهار سال تحت تاثیر قرار داده‌اند و می‌دهند، نقد و ارزیابی از دولت... را امکان پذیر نخواهد ساخت". نویسنده، ضمن برشمردن جهات مختلف دیدگاه خود تلویحا اشاره می‌کند که در طول چهار سال گذشته سیاست "برگرداندن ایران به دامن جامعه سرمایه‌داری جهانی و غارت و چپاول منابع ملی آن و ادامه استثمار مردم" دنبال شده و اینها "از جمله عواملی است که باعث می‌شود تا غرب بکوشد با اقدامات ایادی خود، نظیر کاهش قیمت نفت، ثبات انقلاب را در هم بریزد و هم با توسعه فرهنگ و رفاه و مصرف در سطح جامعه، زمینه‌های پذیرش مجدد وابستگی را فراهم سازد".

نبوی وزیر صنایع سنگین نیز به وابستگی کشور بویژه در زمینه صنایع اعتراف می‌کند: "در زمینه قطع وابستگی نتوانستیم موفق باشیم. چراکه قطع وابستگی با شعار امکان پذیر نبود و احتیاج به سرمایه‌گذاری دارد. ما وقتی حمله به صنعت وابسته را می‌پذیریم و با تعطیل واحدهای وابسته موافقیم که ابتدا مصرف کالاهای مزبور تحریم شود تا پس از تعطیلی کارخانه از ورود آن کالا نیز جلوگیری شود. در غیر اینصورت صحیح نیست که با تعطیل یک کارخانه، همان کالا را از خارج وارد کنیم" ("اطلاعات"، ۴ شهریور).

خرید اسلحه از آمریکا با اعتبار نامحدود

به نوشته روزنامه آمریکایی "لوس آنجلس تایمز" در طی ۵ سالی که از جنگ ایران و عراق می‌گذرد، علیرغم ممنوعیت صدور اسلحه از جانب ایالات متحده آمریکا به ایران، صدها محموله سلاحهای آمریکایی به کشور ما وارد شده است. "لوس آنجلس تایمز" همچنین تصریح می‌کند: این سلاحهای آمریکایی که به دست حکومت ایران می‌رسد نه تنها از ابزارهای پنتاگون است، بلکه از شرکت‌های خصوصی نیز خریداری می‌شود و سوداگران حکومت اسلامی برای خرید اسلحه تقریباً اعتبار نامحدودی دارند و هریک از آنها تاکنون بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار اسلحه خریداری کرده‌اند. یک قلم از سلاحهای خریداری شده ۱۱۰۰ موشک ضدتانک ساخت ایالات متحده آمریکا توسط شخصی بنام ا. حسینی و ۵ نفر دلال مورد اعتماد رژیم است.

به مامی نویسند

دستگیری "عوامل نفوذی" در سپاه

گفته می‌شود که پس از تغییر و تحولی که اخیراً در فرماندهی کمیته‌های "انقلاب اسلامی" صورت پذیرفته، گروهی از دست اندرکاران کمیته‌ها از کار برکنار و برخی نیز به عنوان "عامل نفوذی" دستگیر شده‌اند. گروه اخیر در زمره کسانی هستند که رژیم در عرصه‌های گوناگون مورد تأیید آنها نیست.

گیشا و شمیرانات هم جزء "موقوفات" شد

اراضی گیشا، شمیرانات و برخی دیگر از مناطق تهران و اطراف نیز در زمره "موقوفه" ها اعلام شد. رسانه‌های عمومی خبر از پیداشدن سندی در حرم حضرت رضا (ع) می‌دهند که بر اساس آن مناطق یادشده از سال ۱۳۱۵ جزء "موقوفه" ها بوده است. با اتکا به همین سند، رژیم از کلیه صاحبان اماکن و منازل شخصی اجاره معوقه از سال ۱۳۱۵ تاکنون را طلب می‌کند.

بیمارستان مخصوص خمینی در چهاران

در باغ مصفايي واقع در نزدیکی "حسینیه" چهاران "بیمارستان بدون پنجره‌ای به مساحت ۵۰۰ متر مربع از بتن آرمه ساخته شده که مخصوص شخص خمینی است. در این بیمارستان آخرین و تازه‌ترین و مجهزترین دستگاهها و لوازم پزشکی و تختخوابهای مخصوص به کار گرفته شده که با هزینه بیش از ۲۰ میلیون مارک از کارخانجات "زیمنس" آلمان فدرال خریداری شده است. بیمارستان یادشده دارای سه تخت است که هر کدام در نوع خود بی‌نظیر است. از ملحقات هر یک از این تخت‌ها ۱۰ برانکار مخصوص است که

از مصاحبه رفیق گار با چف با مجله تایم

بقیه از ص ۸

اتحادشوری در صنعت و کشاورزی کشورمان، همچنین از طریق استفاده هدفمندتر از ظرفیت علمی - فنی خود انجام دهیم. مرکز نقل نقشه‌ها و برنامه‌های ما اینجاست. اما، البته مایل نیستیم از آن سودهای اضافی که در نتیجه همکاری علمی - فنی مبتنی بر سود متقابل با دیگر کشورها و از جمله ایالات متحده آمریکا بدست می‌آید، امتناع کنیم.

در سالهای هفتاد این همکاری در زمینه انرژی و از جمله انرژی هسته‌ای، در شیمی و پژوهش‌های کیهانی، در کاردیولوژی و انکولوژی و همچنین در عرصه‌های دیگر دامنه وسیعی پیدا کرد. سود این همکاری متقابل بود. این رادانشمندان آمریکایی نیز می‌دانند. اینک همکاری به صفر رسانیده شده است. ما از این بابت متأسفیم، اما به شما اطمینان می‌دهیم که آن را از سر خواهیم گذراند. هم به این علت که از نظر علمی در عالی‌ترین سطح هستیم و هم از این جهت که ایالات متحده در هیچ

در موارد عمل جراحی، شکسته‌بندی، ماساژ، ارتوپدی و... به کار می‌آیند. این دم و دستگامها به دلیل نقص ساختمان در مکانهای مناسب خود قرار نگرفته‌اند. تنها کاری که در این بیمارستان ویژه به‌دقت انجام شده نصب دوربین‌های مداربسته در هر گوشه و کنار ساختمان، حتی در چراغ اطاق عمل است. کلیه طرحها، سفارشها و اجرای پروژه‌ها زیر نظر دکتر عارفی پزشک مخصوص "ولایت فقیه" انجام شده است.

تانکهای جنگی حامل مواد مخدره

چندی پیش بالغ بر ده تانک جنگی از کار افتاده "مجاهدین انقلاب اسلامی افغانستان" برای تعمیر به طبقات (تایباد) - از شهرهای مرزی استان خراسان - آورده شد. در حین بازرسی، در این تانکها تعداد زیادی کیسه‌های تریاک جاسازی شده کشف شد.

قاچاق مواد مخدره با همکاری افغانی‌ها و گروهی از مقامات ایرانی در مرز ایران و افغانستان رواج کامل دارد. معمولاً مواد مخدره توسط "مجاهدین افغانی" در کیسه‌های هفت کیلویی بسته بندی می‌شود و همکاران ایرانی آنها با استفاده از وسائط نقلیه دولتی که از بازرسی معاف هستند مواد قاچاق را به جاهای مورد نظر حمل می‌کنند.

اعتصاب کارگران یک کارخانه در رشت

کارگران یکی از کارخانجات تولیدی در رشت که پریش و وسائل برق تولید می‌کند، اعتصاب کردند. کارگران خواستار دریافت حقوق عقب افتاده چند ماه، مزایای سختی کار، دوری راه و همچنین بیمه بودند. در تماسی که مدیر کارخانه با تهران گرفت دستور سرکوب اعتصاب کارگران و دستگیری عاملان اعتصاب داده شد. از نتایج اعتصاب اطلاع دقیقی در دست نیست. بقیه در ص ۵

حال در عرصه دستاوردهای علمی - فنی انحصار را در دست ندارد.

در واقع با درک همین واقعیت است که ایالات متحده آمریکا بر متحدان خود فشار فزاینده‌ای وارد می‌کند تا آنها نیز با کالاهای علم بر خود با ما تجارت نکنند. چیزی هم فروتر - به همان بهانه "امنیت ملی" ایالات متحده صدور برخی از این محصولات را به اروپای غربی ممنوع می‌کند و غالباً به نمایندگان اروپای غربی اجازه دسترسی به آزمایشگاهها و سمپوزیوم های علمی خود را نمی‌دهد.

البته با این کارها می‌خواهند به ما لطمه بزنند. اما این تنها "هدف" نیست. شیخ "خطر شوری" پیوسته در مبارزه رقابت میان ایالات متحده با متحدانش نیز به خدمت گرفته می‌شود تا پیشرفت علمی - فنی آنها را کند کند و به این ترتیب از استعداد رقابتشان در بازار جهانی بکاهد. این بازی های نهایی پیوسته آشکارتر می‌گردد. اما فکر نمی‌کنم که دیگر کشورهای در موقعیت شرکای با حقوق نابرابر، کشورهایی که تکنولوژی را از آنها بگیرند و خودشان را در رژیم

اعتراض خانواده‌های زندانیان

بقیه از ص ۱
و همسران ما اعمال می‌گردد، اعلام کرده و خواهش می‌کنیم که صدای ما را به گوش همه مردم آزاده و سازمانهای بین المللی برسانید. اینک نمونه‌هایی از رفتار غیرانسانی دژخیمان اوین:

۱- هر اتاقی در این زندانها کنجایش چهارالی پنج نفر را دارد، در صورتی که در این اتاق‌ها ۲۰ الی ۴۰ نفر نگهداری می‌شوند، بطوریکه جا برای نشستن معمولی آنها وجود ندارد و هنگام خواب عده‌ای می‌ایستند تا دیگران بخوابند و این کار را به نوبت انجام می‌دهند.

۲- در مدت یک شبانه روز یعنی ۲۴ ساعت، زندانی ۲۳ ساعت و یا بیشتر از آن را در همان اتاق می‌ماند و حق رفتن به دستشویی را بیش از دو بار ندارد.

۳- عدم رعایت بهداشت و هواخوری و در معرض آفتاب قرار گرفتن به مدت طولانی باعث شیوع بیماری‌های قارچی و سل شده است.

۴- وقت ملاقات هر پانزده روز یکبار به مدت ده دقیقه است و اگر روز ملاقات به تعطیلی برآورد نماید ملاقات ماهیانه خواهد شد.

۵- بعضی مواقع به مدت یک الی دو ماه زندانی و یا زندانیان یک اتاق را ممنوع الملاقات می‌کنند، در حالی که نه خود زندانیان و نه خانواده آنها از علت ممنوع الملاقات شدن اطلاعی ندارند.

۶- ملافه و وسایل و داروی مورد نیاز زندانی را از خانواده‌ها قبول نمی‌کنند و در سال فقط دو بار، آن هم فقط لباس قبول می‌کنند.

۷- اغلب زندانیان ۲ سال و بعضی‌ها بیشتر از سه سال در زندان هستند ولی تکلیفشان معلوم نشده است.

۸- اغلب غذای زندانها آش است و گوشت در این غذاها نیست.

۹- برای بیشتر اذیت کردن زندانی در هر اتاقی یک الی دو نفر توپ می‌فرستند و این افراد زندانیان دیگر را کتک زده و یا فحش می‌دهند و درگیری ایجاد می‌کنند.

ما خانواده‌ها به منظور اعتراض نسبت به این اعمال و رفتار بارها در قم به دفتر آیت اله منتظری و در تهران به شورای عالی قضایی مراجعه کرده‌ایم ولی نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. اینک تقاضا می‌کنیم که صدای اعتراض ما را به گوش جهانیان برسانید.

از طرف عده‌ای از خانواده‌های زندانیان سیاسی."

گرسنگی نگاه دارند، آشتی کنند. این نحوه عمل در مجموع بدون دورنا و مغایر با آینده نگری است.

با این حال نمی‌خواهم گفتگوی ما پایان منفی داشته باشد. کاملاً آشکار است که اگر کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا و اتحادشوری، با ظرفیت غول آسای علمی - فنی خود در این عرصه بر پایه برابری باهم همکاری کنند، نه فقط خلق های ما بلکه همچنین سراسر جهان از آن سود خواهند برد.

نگاهی به رویدادهای جهان

بیلان ششماهه اعتصاب در فیلیپین

برپایه گزارشی که از سوی کنگره سندیکایی فیلیپین انتشار یافت، فیلیپین در ۶ ماهه نخست سال جاری، شاهد ۲۵۰ اعتصاب با شرکت تقریباً ۴۰۰۰ نفر بوده است. همچنین تقریباً همین تعداد اعتصاب در سراسر سال ۱۹۸۴ روی داد. اعتصاب های سال جاری در مقایسه با سال گذشته، از نظر زمانی نیز طولانی تر شده اند و از ۱۰ روزه به ۱۷ روز افزایش یافته اند.

اعدام بنیامین مولونر به تعویق افتاد

شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستار آن شد که رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی محکومیت اعلام شده را علیه بنیامین مولونر، میهن پرست آفریقای جنوبی، لغو کند. این رزمنده شجاع ضد تبعیض نژادی در تابستان ۱۹۸۳ برپایه اتهامات دروغینی که به وسیله مقامات پرتوریا سرهم بندی شده بود، به مرگ محکوم گردید. ولی تحت فشار افکار عمومی جهانی، دادگاه عالی آفریقای جنوبی، تاریخ اجرای حکم را به تعویق انداخت.

آغاز سال تحصیلی در اتحاد شوروی

روز دوم سپتامبر، در اتحاد شوروی، حدود ۴۱ میلیون کودک و نوجوان پا به مدارس آموزش عمومی گذاردند و حدود سه میلیون جوان راهی مدارس شبانه مخصوص جوانان کارگر شدند. شایان بیان است که در مقایسه با دوران پیش از جنگ، بودجه دولتی برای آموزش و پرورش در اتحاد شوروی تقریباً ۲۰ برابر افزایش یافته است. و اگر جنگی که به قیمت تلفات جانی و مالی آن چنان عظیم تمام شد نبوده، بدون تردید این افزایش بارها بیشتر می بود.

ثمرات همکاری ویتنام و اتحاد شوروی

دوم سپتامبر ۱۹۴۵ در پی پیروزی انقلاب آگوست، بروی نقشه جهان نخستین دولت کارگری - دهقانی در جنوب شرقی آسیا پدیدار شد: جمهوری دموکراتیک ویتنام (از دوم ژوئیه ۱۹۷۶ جمهوری سوسیالیستی ویتنام).

کامیابی های ساختمان زندگی نوین در ویتنام، در سطح وسیعی با کمک برادرانه اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پیوند دارد. بسیاری از شاخه های صنعتی در ویتنام با کمک فنی و اقتصادی اتحاد شوروی برپا یا بازسازی شده اند. از آن بین، شاخه هایی همانند ماشین سازی، ابزار ماشین سازی، صنایع ذغال، وسایل ترابری و ارتباطات را می توان نام برد. اتحاد شوروی کمک چشمگیری در زمینه تربیت کادر ملی انجام می دهد. در مجموع ۱۳۰۰۰۰ کارگر، مهندس و تکنسین و دیگر کارشناسان با کمک اتحاد شوروی تربیت شدند.

یک پرسش و پاسخ آن

از مصاحبه رفیق گارباچف با مجله تایم

متحد هنگامی که می خواهند افزایش هزینه های نظامی را توجیه کنند، فقط درباره دستاوردهای افسانه وار تکنولوژی در اتحاد شوروی داد سخن می دهند، و وقتی می خواهند به توجیه تدابیر مربوط به ممنوعیت بازرگانی به پردازند ما را به مثابه یک روستای عقب مانده و در حال چرت زدن معرفی می کنند که تجارت با آن و از آن هم بیشتر همکاری با آن تنها به معنی تهدید "امنیت ملی" ایالات متحده است. کدامیک از اینها حقیقت است؟ کدام را باید باور کرد؟

ما آشکارا می گویم که از سطح علمی - فنی این یا آن نوع محصول خود راضی نیستیم. اما ما قصد داریم که تسریع پیشرفت علمی - فنی را نه از راه "تزریق تکنولوژی" از ایالات متحده به اتحاد شوروی، بلکه با "تزریق" اندیشه ها، اختراعات و نوآوری های پیش تاز علم بقیه در ص ۷

پرسش: اتحاد شوروی کوشش دارد به تکنولوژی تکامل یافته ایالات متحده دسترسی وسیع پیدا کند. این تا چه اندازه مورد احتیاج اتحاد شوروی است و عمدتاً - به چه منظورهایی؟ اگر ایالات متحده دسترسی گسترده تر به این تکنولوژی را تامین نکند، قصد دارید برای دریافت آن به چه کسی روی آورید؟

پاسخ: خود شکل پرسش شما انسان را به تفکر وامی دارد. در واقع امروز کیست که نکوشد به تکنولوژی تکامل یافته دسترسی پیدا کند. همه و از جمله ایالات متحده و حتی بیش از همه ایالات متحده. تنها درباره خرید قانونی لیسانس ها و کالاهای علم بر و یا جاسوس صنعتی غیرقانونی صحبت نمی کنم. ایالات متحده روشهای ویژه خود را نیز مورد استفاده قرار می دهد. مثلاً "فرار مغرزا" نه فقط از اروپای غربی، بلکه همچنین از کشورهای در حال توسعه. فعالیت شرکت های فرا ملیتی را هم در نظر بگیرید که توسط شعبات خود انگشت روی دستاوردهای علمی - فنی در دیگر کشورها می گذارند. اینک به همان منظور تلاش می کنند که به اصطلاح برنامه پژوهشی "جنگ ستارگان" را نیز مورد استفاده قرار دهند.

تا آنجا که مربوط به اتحاد شوروی می شود، از دستاوردهای علمی و فنی خارجی در مقیاس بسیار ناچیزتری استفاده می کند. گرچه ما هیچگاه پنهان نکرده ایم که میل داریم شرکت خود را در تقسیم کار بین المللی گسترش بخشیم و همکاری علمی - فنی را توسعه دهیم، بخصوص که با دست خالی وارد این "بازار" نمی شویم.

اهداع کنندگان این روایت که گویا اتحاد شوروی در عطف به دست آوردن تکنولوژی آمریکایی می سوزد فراموش می کنند در چهره کشور ما با چه نیرویی سروکار دارند. کشور ما مدت ها است که دیگر یک کشور کبیر علمی - فنی است که پس از انقلاب، استقلال تکنولوژیکی به دست آورده است. همین امر به ما امکان داد که در جنگ دوم جهانی ایستادگی کنیم، پیشگام خروج به فضای کیهانی شویم و تحقیقات وسیع کیهانی انجام دهیم، دفاع قابل اطمینان خود را تضمین کنیم و مجموعه نیروهای مولده کشور را با موفقیت تکامل بخشیم. در واقع تضاد مستقر در استدلالات آمریکا را چگونه بفهمیم؟ در ایالات

گردآوری کمک مالی برای حزب يك وظیفه انقلابی است

رفقا، دوستان!

می دانید که حزب ما برای سازمان دهی فعالیت های متنوع خود در عرصه های گوناگون ناگزیر می باید مخارجی را متحمل شود. تا کنون بودجه لازم از طریق حق عضویت اعضا، و هواداران و کمک های نقدی دوستان حزب تامین شده و می دانیم که از این پس نیز تامین خواهد شد. اکنون که مسئله سرنگونی رژیم، تشدید مبارزه ضد امپریالیستی و پیکار پر دامنه تر در راه تحقق آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح، بیش از همیشه مطرح است، بدیهی است که حزب برای تامین هزینه های روبه افزایش خود در داخل و خارج از کشور نیاز به بودجه بیشتری دارد. در واقع گردآوری کمک مالی برای حزب نه تنها یک امر ساده نیست، بلکه یک اقدام مهم سیاسی در جهت ادامه حیات حزبی است. ما از همه رفقا و کسانی که از برنامه های حزب ما پشتیبانی می کنند می طلبیم که برای گردآوری کمک های مالی بیشتر، همه ابتکارات ممکن را به کار گیرند.

کمکهای مالی رسیده:

مهران	۱۲۲ دلار
هدیه پیوند	۲۰۰ دلار
هدیه مرده	۵۰ دلار

یادنامه شهیدان توده ای

تا کنون زندگی نامه و خاطره هایی مربوط به رفقای توده ای که پس از یورش به حزب تیرباران شده و یا زیر شکنجه جان سپرده اند به دفتر "نامه مردم" رسیده است. "نامه مردم" ضمن تشکر از رفقای که این یادنامه ها را نوشته اند، اعلام می دارد که در نظر دارد مجموعه این یادنامه ها را تنظیم کرده و در جزوه ای منتشر نماید. دیگر بار از همه رفقا می طلبیم که در این راه ما را یاری کنند.

NAMEH MARDOM
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden
No : 69

26 September 85